

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۱۸

هزار و سیصد و هشتاد و نه - نیمسال دوم

مقالات

- تأملی بر گستره محکومیت‌های مؤثر کیفری و نوع تأثیر آنها
- حقوق دفاعی متهم در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری
- تمیز خوانده دعوا
- تحلیل حقوقی حمایت‌های درمانی سازمان تأمین اجتماعی
- موضوع ویژه: حق شهروندان به برخورداری از محیط زیست سالم با تأکید بر مسأله آلودگی کلان‌شهرهای ایران
- پایش حمل‌ونقل شهری و کاهش آلودگی هوا: مطلوب زیست‌محیطی کلان‌شهرها
- تعهد به همکاری بین‌المللی در مقابله با هجوم ریزگردها به ایران
- مقابله با آلودگی‌های ناشی از امواج الکترومغناطیسی در کلان‌شهرها
- آلودگی هوای تهران و حق شهروندان بر محیط زیست سالم
- تأثیر نظام حقوق مالکیت فکری بر آلودگی کلان‌شهرها
- نفع عمومی در دعاوی زیست‌محیطی: رویه دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشر و محاکم ملی
- حق برخورداری از محیط زیست سالم در دام گرمایش جهانی: اجلاس کنکان مکزیک (۲۰۱۰)
- حق برخورداری از محیط زیست سالم در حقوق فرانسه
- نقد و معرفی
- گروه منفعت اقتصادی در قانون برنامه پنجم توسعه





حق برخورداری از محیط زیست سالم در حقوق فرانسه

دکتر علی مهدی*

چکیده: امروزه معضلات زیست‌محیطی شهرها به گونه‌ای وسیع در حال گسترش‌اند. در جامعه فرانسه صد سال اخیر انواع آلودگی‌های ناشی از افزایش جمعیت، صنعتی شدن و الگوی مصرف زمین‌های شناسایی و ارتقاء حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم را در این کشور فراهم نمود. فرانسه نخستین کشوری به شمار می‌ورد که منشور اساسی محیط زیست را در راستای حق بر محیط زیست سالم تدارک دیده است. این مقاله به اختصار به بررسی زمینه‌ها و دلایل ظهور مفهوم حق بر محیط زیست (بخش نخست) و مهم‌ترین مؤلفه‌های رویه‌ای و ماهوی این حق در فرانسه (بخش دوم) پرداخته است. فرض اساسی این مقاله بر این مبنا استوار است که حق بر محیط زیست پیش از آنکه در قانون مربوط به تقویت حمایت از محیط زیست در سال ۱۹۹۶ معروف به قانون بارنیه به صراحت در حقوق ملی فرانسه مورد شناسایی قرار گیرد و همچنین پیش از آنکه این حق به مثابه یک حق بشری در مجموعه قانون اساسی فرانسه وارد گردد، ریشه‌های عمیق‌تر حقوقی و اجتماعی دارد.

کلیدواژه‌ها: حق بر محیط زیست، حقوق فرانسه، قانون بارنیه، منشور اساسی محیط زیست، حقوق رویه‌ای، حقوق ماهوی

مقدمه

مسئله محیط زیست در فرانسه جایگاه ویژه‌ای دارد. این امر امروزه تبدیل به یکی از

دلمشغولی‌های اصلی شهروندان و دولتمردان گشته است. تنها در طی سالیان اخیر حق بر محیط زیست در فرانسه پایه پای تحولات بین‌المللی و داخلی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در قواعد حقوقی نموده و آباستن تحولات شگرفی گشته است. توجه دولت، احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و حقوقی به مسأله محیط زیست، تدوین کدی جامع و مفصل با بیش از ۲۹۰۰ صفحه از قوانین مصوب مجلس و سایر مقررات و دستورالعملها در مجموعه‌ای به نام «کد محیط زیست»^۱ و به دنبال آن افزایش بی‌سابقه تعداد متون قانونی در حوزه‌های مختلف و جدید، رشد رویه قضایی اختصاصی زیست‌محیطی در این زمینه و در نهایت تصویب «منشور اساسی محیط زیست»^۲ و تأثیرات آن در حقوق فرانسه از قبیل این تحولات است.^۳

در واقع نضج حق بر محیط زیست در این کشور محصول توسعه صنعتی و برآیند آن دسته از دلمشغولی‌هایی است که به دنبال تحمیل خسارات گسترده بر محیط زیست و طبیعت متنوع فرانسه بوده‌اند. تاریخ تحول این حوزه نمایانگر آن است که در فرانسه مسأله محیط زیست کاملاً مسیری متمایز از سایر کشورها را طی نموده است. به گونه‌ای که تولد رویکردهای حفاظت از محیط زیست را در فرانسه را نمی‌توان صرفاً به سالهای دهه ۱۹۶۰ و بعد از آنکه معمولاً به عنوان نقطه آغازین از آن یاد می‌گردد، محدود نمود. قوانین بسیاری را می‌توان یافت که قبل از استکهلم به موضوعات زیست‌محیطی توجه نموده و نظامات ویژه‌ای را در این خصوص وضع نموده بودند.

شناسایی این حق در فرانسه تحت تأثیر حقوق بین‌الملل و حقوق اتحادیه اروپا و همچنین آراء دیوان اروپایی حقوق بشر قرار داشته و هم‌اکنون در محتوای قانون اساسی، آراء قضایی و متون قانونی در سطح ملی تحکیم گردیده است. این حق در فرانسه بعد از تصویب قانون باریه و منشور اساسی محیط زیست به نقطه اوج خود رسیده است. در

1. Code de l'environnement (créé par ordonnance n° 2000-914 du 18 septembre 2000)

2. Loi constitutionnelle n° 2005-205 du 1er mars 2005 relative à la Charte de l'environnement (J.O n° 51 du 2 mars 2005 page 3697)

۳. تصویب منشور اساسی محیط زیست و اصلاحات انجام شده در قانون اساسی، در سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۰۸ چهره حقوقی فرانسه را در عطف توجه به محیط زیست تغییر داد. این متن برخی از آراء اداری و قضایی نیز بازتاب یافت و تاکنون آثار مهمی در حوزه تقنین، قضا و اجرا به همراه داشته است. اصلاحاتی که به قول میشل پریور تحت عنوان «اعلامیه سوم حقوق» (Troisième déclaration de droits) از آن یاد گردید و منظور از آن سه مرحله تاریخی درج قواعد حقوق بشری در قانون اساسی فرانسه است. یعنی اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ (اعلامیه نخست)، مقدمه قانون اساسی ۱۹۴۶ (اعلامیه دوم)، و منشور اساسی ۲۰۰۵ محیط زیست (اعلامیه سوم). در این خصوص، نک:

Michel Prieur, «Vers un droit de l'environnement renouvelé», *Cahiers du Conseil constitutionnel*, su: <<http://www.conseil-constitutionnel.fr/cahiers/cc15/env2.htm> en data del 11 Jun 2008>.

این مقاله سعی شده است به اختصار به بررسی تحولات تاریخی نضج این حق و برخی از مؤلفه‌های ماهوی و رویه‌ای آن پرداخته شود.

بخش نخست: زمینه‌های ظهور

و شناسایی حق بر محیط زیست در حقوق فرانسه

ظهور ادبیات حق بر محیط زیست در فرانسه و ارتقاء آن به سطح قواعد حقوق اساسی، ناشی از تأثیر حقوق اتحادیه اروپا و حقوق بین‌الملل است. در این میان اسناد اولیه و غالباً با ماهیت «حقوق نرم»، اعلامی و غیرالزام‌آور، زمینه‌های ظهور و شناسایی این حق را در حقوق فرانسه فراهم نمودند. در این زمینه می‌توان به برخی از اسناد بین‌المللی، حقوق برآمده از اتحادیه اروپا و همچنین آراء دیوان اروپایی حقوق بشر اشاره نمود. علاوه بر این برخی اسناد قانونی و برخی از رویه‌های قضایی و اداری نیز در نضج این حق در فرانسه و «شکوفایی دیر هنگام»^۴ آن نقش بسزایی داشتند.

الف) زمینه‌های تاریخی

حق بر محیط زیست در فرانسه به گونه‌ای دیر هنگام، بطی و طولانی شکوفا گردید. در واقع آنچه که امروزه تحت عنوان حق بر محیط زیست سالم در فرانسه مورد شناسایی قرار گرفته است مرهون برخی تحولات تاریخی نضج این حق در این کشور است. نگاهی به برخی از این تحولات می‌تواند نمایانگر ریشه‌های عمیق تبلور این حق در مجموعه حقوق عمومی فرانسه باشد.

۱- از فرمان ژان باتیست تا تشکیل وزارتخانه محیط زیست (۱۹۶۹-۱۹۷۱)

این دوره در حقوق فرانسه به دوره قبل از استکهلم مشهور است، دوره‌ای که هنوز عصر اکولوژی آغاز نشده است. نه تنها حق بر محیط زیست مورد شناسایی قرار نگرفته، بلکه اساساً مسأله حمایت محیط زیست به صورت جدی مطرح نیست. با اینحال این امر به

۴. عبارت «شکوفایی دیر هنگام» (floculation tardive) در مقام انتقاد از سستی فرانسه در شناسایی و ارتقاء حق بر محیط زیست در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی به ویژه اندارج بورکراتیک، دیر هنگام و بطی این حق در قانون اساسی فرانسه، ابراز گردید. در این زمینه و اطلاع از دلایل و زمینه‌های این مسأله، نک: بخش نخست رساله:

Nicolas Hutin, "Les nouveaux fondements constitutionnels du droit de l'environnement", Les apports de la Charte de l'environnement à l'ordre juridique interne, *Thèse en Droit de l'environnement*, Université de Paris I Panthéon-Sorbonne, et de Paris II Panthéon-Assas, 2002-2003, pp. 15-50.

معنای نبود یا فقدان نظام حقوقی حاکم بر آلودگی‌ها و آفات یا حفاظت از طبیعت نیست. این دوره زمینه‌ساز گسترش رویکردهای حمایت از محیط زیست در عصر اکولوژی (بعد از دهه هفتاد) و شناسایی حق بر محیط زیست گردید که به برخی از آنها ذیلاً اشاره می‌نماییم.

۱- در اسناد تاریخی و قانونی حمایت از محیط زیست، باید از فرمان سال ۱۹۶۹ «ژان باتیست کالبره» یاد نمود. این متن در حقیقت نخستین سندی است که یکی از عناصر مهم محیط زیست یعنی «جنگل» را مورد حمایت قرار می‌دهد.^۵ این سند به بیان شیوه‌های مدیریت و حفاظت جنگلها و نظامات مربوط به کاهش فروش محصولات جنگلی با هدف افزایش و حمایت منابع جنگلی می‌پرداخت.^۶

۲- محیط زیست شهری در اوان قرن ۱۹ در اثر رشد صنایع و جمعیت در معرض آلودگی‌های مهمی قرار داشت. مصوبه سلطنتی اکتبر ۱۸۱۰ با عنوان مصوبه مربوط به کارخانه‌ها و کارگاههایی که بوهای ناسالم و ناخوشایند را منتشر می‌نمایند^۷ محدودیتهایی را برای تضمین استقرار یک محیط کمتر آلوده برای شهروندان فراهم نمود. در واقع این سند بیشتر برآمده از دغدغه‌های محیط زیست انسانی و کاستن از آلودگی محیط شهری بود. اهمیت این سند از آن جهت است که بعداً مبنایی برای بنیانگذاری مفهوم «تأسیسات طبقه‌بندی شده» در فرانسه گردید.

۳- آغاز حمایت حقوقی از فضاها و کوهستانی و طبیعت خوش روستایی را نیز در این دوره شاهد هستیم. احیا و بازسازی راههای کوهستانی به موجب قوانین ۱۸۶۰ و ۱۸۶۲ به اداره آبها و جنگلها واگذار گردید. که به نوعی آغازی بر مرمت راههای کوهستانی بود. قانون معروف ژوئیه ۱۹۰۱ نیز زمینه را برای تشکیل انجمنها و مؤسسات مردم نهاد در زمینه حمایت از محیط زیست طبیعی فراهم نمود. آوریل ۱۹۲۲ نیز در زمینه حمایت از درختان جنگلی مهم بود. در ۱۲ آوریل ۱۹۲۲ قانون مربوط به جنگل رژیم مخصوصی را برای برخی از جنگلهای خصوصی و همچنین حمایت از دامنه‌های کوهستانی پیش‌بینی نمود. قانون دوم مه ۱۹۳۰ نیز به موضوع نظام حقوقی تأسیس سایت‌های طبقه‌بندی شده پرداخت. این قانون نظیر قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست با ایجاد مکانهای طبقه‌بندی شده مقررات حمایتی و حفاظتی را برای برخی از اماکن و مناظر طبیعی

5. Ordonnance générale des eaux et forêts (1669).

6. Félix Joubeau et Jean Baptiste Colbert, Études sur Colbert: ou Exposition du système d'économie politique suivi en France de 1661 à 1683, *Gullaumin*, 1856, Volume 2, p. 36.

7. Décret impérial du 15 octobre 1810 relatif aux manufactures et ateliers qui répandent une odeur insalubre ou incommode.

پیش‌بینی نمود.^۸

۴- شکل‌گیری پارکهای ملی در وهله نخست به معنای تأسیس سیستم حمایتی ویژه برای محدود نمودن دسترسی انسان به مناطق طبیعی خاص در معرض خطر است. در اواخر این دوره ما شاهد تصویب مصوبه ۲۲ ژوئیه ۱۹۶۰ در خصوص پارکهای ملی هستیم. هرچند این تأسیس در حقوق فرانسه در مقایسه با کشورهای نظیر کانادا و ایالات متحد با یک قرن تأخیر اتفاق افتاد اما تحولات بعدی نشان داد که قواعد پارکهای ملی در حمایت از طبیعت پیشرفت حیرت‌انگیزی را به خود دید.^۹

۵- میشل باتیس اکولوژیست معروف که در زمینه ذخیره‌گاههای زیست‌کره فعالیت می‌نماید گفته بود که «انسان همواره علیه طبیعت نیست» بلکه می‌تواند به نفع طبیعت نیز عمل نماید.^{۱۰} پیش‌بینی تولید جنگل خصوصی به معنای گسترش فضاهاى طبیعی و سبز در فرانسه بود. این امر به موجب قانون ششم اوت ۱۹۶۳ معروف به «قانون پیسانی»^{۱۱} مطرح گردید. این اقدام می‌توانست هم له و هم علیه طبیعت باشد. له از آن جهت که فضاهاى طبیعی را گسترش می‌داد، و علیه از آن جهت که گسترش جنگل خصوصی را نباید به معنای اجازه نابودی جنگل طبیعی و غیر دست‌کاشت یا بدیل آن تصور نمود.^{۱۲} در این راستا قانون ۳ دسامبر ۱۹۶۴ اداره ملی جنگل را تأسیس نمود. این اداره مسؤول نظارت بر اجرای مقررات حمایت و حفاظت از جنگل بود و جانشین اداره سابق آب و جنگل گردید.

۶- تحول دیگر در این دوره در جهت حمایت از عنصر دیگر محیط زیست یعنی «آب» اتفاق افتاد. قانون آب در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۰ به تصویب رسید که نظامات مربوط به حمایت از اقسام آبها و نحوه بهره‌برداری از آنها را بیان می‌نمود. از حمایت‌های قانونی دیگر این دوره

۸. مصوبه دوم مه ۱۹۳۰ اماکن و فضاهاى دارای زیبایی‌های بدیع طبیعی، تاریخی، علمی و زیبایی‌شناسانه مورد حمایت قرار داد. این قانون در حقیقت نخستین متنی بود که خواسته یا ناخواسته با رویکردهای طبیعت‌محور (اکوستریسم) پیوند خورد. این مصوبه در واقع برای جلوگیری از نابودی اصالت و بکارت زیبایی‌های طبیعی در برابر فعالیت‌های مخرب انسانی در طبیعت در فرانسه ظهور کرد.

۹. تأسیس پارکهای ملی در ایران به قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ و قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ بر می‌گردد.

۱۰. باریس هنریک مجنونیان، **تقریرات درس حفاظت از محیط زیست**، دوره کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۱۰.

11. Loi Pisani

۱۲. تولید جنگل دست‌کاشت هرگز نمی‌تواند بدیل مناسبی برای جنگلهای طبیعی باشد. استدلالی که بعضاً از سوی مقامات شهری در توجیه قطع درختان کهنسال شهری برای توسعه معابر یا اجرای سایر برنامه‌های عمرانی مشاهده می‌نماییم. این استدلال یا توجیهاات یا هرگز جنبه اجرایی پیدا نمی‌کند و یا صرفاً به عنوان حربه‌ای جهت پاسخ‌گویی به افکار عمومی و سازمانهای معترض مردم‌نهاد زیست‌محیطی به کار می‌روند.

می‌توان به فرمان مارس ۱۹۶۷ در خصوص ایجاد پارک ملی اشاره نمود که به موجب قانون چشم‌اندازها و مناظر ۱۹۹۳ اصلاح و تکمیل گردید.

۲- از ایجاد وزارت محیط زیست تا تصویب قانون بارنیه

این دوره برهه زمانی با اهمیتی است. در این دوره ادبیات حق بر محیط زیست به تشکیل کنفرانس استکهلم در حقوق فرانسه مطرح شد و نهایتاً در قانون بارنیه ۱۹۹۶ مورد شناسایی قرار گرفت. در این دوره ما شاهد افزایش نگرانی‌های اکولوژیکی، تشکیل گروه‌های طرفدار محیط زیست نظیر صلح سبز، برخی فجایع زیست‌محیطی نظیر حادثه توری کانپون و آموکو کادیز و همچنین غرق کشتی دلاور رنگین کمان^{۱۳} در ۱۹۸۵، برگزاری کنفرانس استکهلم و ریو و همچنین تصویب برخی از کنوانسیون‌های مهم بین‌المللی نظیر کنوانسیون تنوع زیستی از سوی فرانسه هستیم. مهم‌ترین تحولات قانونی این دوره تا زمان تصویب قانون بارنیه را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

در سال ۱۹۷۱ یعنی یکسال قبل از برگزاری کنفرانس استکهلم «وزارت محیط زیست» در فرانسه تأسیس گردید. در همان سال برنامه انسان و بیوسفر^{۱۴} توسط یونسکو مطرح و ذخیره‌گاه‌های زیست‌کره و پارک‌های ملی تشکیل گردید. در دهم ژوئیه ۱۹۷۳ قانون مربوط به فضا‌های پوشیده از درخت و حفاظت از آنها تصویب گردید.

۲- یکی از قوانین مهم این دوره که بعداً قانون معروف بارنیه جانشین آن شد قانون ژوئیه ۱۹۷۶ در زمینه حمایت از طبیعت بود.^{۱۵} محتوای آن به گونه‌ای مناسب نظام قانونی حمایت از گونه‌ها، حیوانات و مناطق حفاظت شده و ذخیره‌گاه‌های زیست‌کره را مطرح می‌نمود. تحول دیگر در همین ماه (ژوئیه ۱۹۷۶) در حوزه محیط زیست انسانی بود و آن تصویب قانون تأسیسات طبقه‌بندی شده در ژوئیه ۱۹۷۶ بود.

۱۳. ماجرا مربوط است به غرق کشتی موسوم به دلاور رنگین کمان (Rainbow Warrior) متعلق به هواداران محیط زیست (صلح سبز) در بندر اوکلند در دهم ژوئیه ۱۹۸۵ که در اعتراض به آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه در اقیانوس آرام اتفاق افتاد. این حادثه منجر به کشته شدن یکی از سرنشینان آن به دست مأموران مخفی اداره کل امنیت خارجی فرانسه گردید و انتقادات بسیاری را بر دولت پر دردر فرانسه میترا از سوی رسانه‌های گروهی، طرفداران محیط زیست و افکار عمومی وارد نمود. برای بررسی بیشتر وقایع، نک: ایان داریبی شر، تحولات سیاسی در فرانسه؛ از ژیسکاردستن تا فرانسوا میتران، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۱۴۱ به بعد.

14. Man and biosphere

15. Loi n° 76-629 du 10/07/76 relative à la protection de la nature.

۳- از قانون بارنیه تا تصویب منشور اساسی محیط زیست

در این دوره حق بر محیط زیست در سطح قانون عادی توسط قانون بارنیه مورد شناسایی قرار گرفت و نهایتاً با تصویب منشور اساسی محیط زیست به سطح قواعد حقوق اساسی ارتقاء یافت، به گونه‌ای که در حال حاضر امروزه حق بر محیط زیست سالم جزئی از مجموعه قانون اساسی فرانسه به شمار می‌رود و تأثیر بسیار مهمی در نظام حقوقی و قضایی فرانسه نهاده است.

۱- در سطح تقنینی برای نخستین بار قانون دوم فوریه ۱۹۹۵ مربوط به تقویت حمایت از محیط زیست (معروف به قانون بارنیه)^{۱۶} اقدام به شناسایی حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم به عنوان یکی از اصول بنیادین حفاظت از محیط زیست نمود.^{۱۷} قانون بارنیه از دو جهت دیگر نیز اهمیت بسزایی در حقوق فرانسه داشت. نخست از جهت اعلام عناصر محیط زیست به عنوان میراث مشترک بشریت و دوم ویژگی «منفعت عمومی» داشتن امر حفاظت از محیط زیست بود. این متن بعد از تصویب کد فرانسوی محیط زیست با اندکی تغییر در سال ۲۰۰۵ در مواد ۲-۱۱۰ کد جای گرفت. با این حال به رغم این شناسایی قانونی تأثیر این متن تاکنون در رویه‌های قضایی کم‌رنگ بوده است.

۲- در سطح قواعد حقوق اساسی باید از تصویب منشور اساسی محیط زیست در ۲۰۰۴ و اصلاح قانون اساسی در ۲۰۰۸ و ارتقاء حق بر محیط زیست به مجموعه قانون اساسی یاد نمود. این ارتقاء به دلیل سطح تحول و بازتابی که در آراء قضایی و اداری نهاد، توسط برخی از حقوق دانان تحت عنوان اعلامیه سوم حقوق از آن یاد گردید. مطابق ماده نخست این منشور «هر کس حق زندگی در محیط زیست متعادل و مناسب با سلامتی‌اش را دارد.» هر چند برد حقوقی ماده ۱ این منشور به لحاظ بیان کلی آن قابل بحث است. ولی اعطای ارزش قانون اساسی به این حق و ورود آن به قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه مسائل متعددی را تحت الشعاع خود قرار داد.^{۱۸}

ب) تأثیر حقوق بین‌الملل و حقوق اتحادیه اروپا

حق بر محیط زیست، در حقوق بین‌الملل و همچنین اتحادیه اروپا در قالب اسناد متعدد به عنوان یک حق بشری اعلام گردیده است. فرانسه در اغلب این اعلامیه‌ها و کنوانسیونها و

16. Loi n° 95-101 du 2 février 1995 relative au renforcement de la protection de l'environnement. (dite loi Barnier)

17. Jean Lamarque, *Code de l'environnement*, Paris, Dalloz, 1998, p. 64.

18. برای بررسی بیشتر در این زمینه، نک: علی مشهدی، «تحولات اخیر حق بر محیط زیست در حقوق اساسی

فرانسه»، نشریه حقوق اساسی، سال ۶، ش ۱۱، تابستان ۱۳۸۸، ص ۱۹۱.

همچنین اسنادی که در سطح اتحادیه اروپا به تصوب رسیده‌اند نقش فعالی را داشته است. در این میان علاوه بر اعلامیه‌های استکهلم و ریو، کنوانسیون ۲۵ ژوئن آرهاس در خصوص دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی در فرآیند تصمیم‌گیری و دسترسی به عدالت در موضوعات زیست‌محیطی^{۱۹} نقش بی‌بدیلی در شناسایی و توسعه حق برمحیط زیست با ماهیت رویه‌ای در کشورهای اتحادیه اروپا داشت. این کنوانسیون در ماده نخست بر حق هر کس اعم از نسل حاضر و نسل آتی به زندگی در یک محیط زیست مناسب و تضمین سلامتی و رفاه آنها تأکید می‌نماید. رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر نیز حداقل در دو پرونده مهم در زمینه حق برمحیط زیست به کشور فرانسه ارتباط پیدا می‌کند. رویه دیوان حکایت از شناسایی جنبه‌های از حق برمحیط زیست سالم می‌نماید. هر چند در متن کنوانسیون ۱۹۵۰ هیچ اشاره‌ای بر حق برمحیط زیست سالم نشده است، اما دیوان توانست در برخی از آراء قضایی و با تفسیر مواد مختلف از جمله مواد ۲ و ۸ به شناسایی این حق بپردازد. مشهورترین رأی در این زمینه قضیه مربوط به دعوی لوپز استرا علیه اسپانیا در ۱۹۹۴ و آنریلدز علیه ترکیه در ۲۰۰۴ در زمینه حق حیات بود.

ج) تأثیر رویه قضایی

رویه‌های دادگاههای اداری و دادگاههای قضایی (نظم دوگانه قضایی در فرانسه)، نخستین توسعه و تحول را در تحکیم حق برمحیط زیست در فرانسه شکل دادند. در ابتدا مقاومتها و انتقادهای جدی بر شناسایی حق برمحیط زیست از سوی برخی از دادگاهها ابراز می‌گردید. در یکی از نخستین آراء و در مقام انکار، دادگاه شهرستان لیون در ۵ مه ۱۹۷۷ یعنی چیزی حدود ۵ سال بعد از اعلامیه استکهلم طی حکمی مقرر داشت که «حق بر کیفیت حیات»^{۲۰} مطابق قوانین فرانسه نه تعیین^{۲۱} (تعریف) و نه سازماندهی شده است.^{۲۲} در قضیه مشابه دیگری دادگاه در خصوص تعارض میان ساخت یک مرکز تأسیسات هسته‌ای و ادعای یک انجمن مبنی بر اینکه آزادی‌های بنیادین آنها در برخی از حوزه‌ها از جمله بهره‌مندی از محیط زیست سالم نقض خواهد شد به صراحت و با توجه به ماده نخست قانون ۱۰ ژوئیه ۱۹۷۸ مربوط به حمایت از طبیعت اعلام نمود که:

«... ماده نخست قانون دهم ژوئیه ۱۹۷۶ مربوط به حمایت از طبیعت حاوی هیچ اصل

19. Convention 1998 d'Aarhus sur l'accès à l'information, la participation du public au processus décisionnel et l'accès à la justice en matière d'environnement

20. Le droit à la qualité de la vie

21. Difier

22. Trib. gr. inst. Lyon (rèf). 5 mai 1977 cahiers jur. Électre et gaz 1977. 156. note carron, A.J.D.A. 1977. 556, note Girod.

اعلامی نیست که ساختن تأسیسات هسته‌ای یک مرکز هسته‌ای را منع نماید... یک انجمن هرگز نمی‌تواند مدعی آن شود که انجام اقدامات فوق آسیمی بر آزادی‌های بنیادین وارد می‌آورد.^{۲۳}

در ۲۵ ژانویه ۱۹۸۸ دادگاه حل تعارض در قضیه استناداری شرانت مریتیم^{۲۴} در مقام تعارض میان حقوق مالکانه با حقوق اشخاص به دلایل زیست‌محیطی یا منفعت عمومی رأی به نفع حقوق مالکانه و تفسیر حداقلی توجیهات زیست‌محیطی اقدامات مقامات عمومی داد.^{۲۵}

در قضیه مشابه دیگر از تهیه‌کنندگان یک برنامه تلویزیونی مبنی بر دعوت مردم به عدم خرید پوست حیوانات به دلیل انجام فعل زینبار علیه شغل و صنف «پوست فروشی»^{۲۶} شکایت گردید. دادگاه اظهار نظر نمود که نویسندگان مقاله یا تهیه‌کنندگان برنامه تلویزیونی که در زمینه حمایت از گونه‌های جانوری خاص فعالیت می‌نمایند، بدون آنکه مستقیماً شغل «پوست فروشی» را مورد انتقاد قرار دهد به معنای انجام یک فعل زینبار مبنی بر دعوت مردم از اجتناب از استفاده از پوست حیوانات نیست.^{۲۷}

این اظهار نظر دادگاهها در آن برهه زمانی در خصوص کیفیت حیات و محیط زیست شهروندان ناامیدکننده می‌نمود. اما کم‌کم توسعه و تحول رویکردها را در جامعه رو به مخاطره فرانسه دهه ۸۰ و ۹۰ در آراء بعدی دادگاه مشاهده می‌نماییم.^{۲۸}

قضات دادگاه اداری شالون آن شامپانی حق بر محیط زیست سالم را که در متن منشور اساسی محیط زیست آمده بود به عنوان یک «آزادی بنیادین»^{۲۹} دارای ارزش قانون اساسی و مطابق با سایر هنجارهای قانونی اعلام نمودند.^{۳۰} بر این اساس و با این مینا دادگاه در این دعوا از استاندار خواست تا سازمان کشاورزی را از کشت محصول در منطقه‌ای که دارای

23. Caen, 28 juin 1977. C.R.E.P.A.N, cahiers jur. Électr. et gaz. 1977. 156, note Carron A.J.D.A. 1977. 556, note Girod.

24. Trib. Confl. 25 janv. 1998 Préfet de la Charente maritime, D. 1988. 205. note. P. Didier, gaz. Pal, concol. Mam. Laroque.

۲۵. در این قضیه تعقیب اقدامات مبنی بر ساخت‌وساز پل (Ile de Re) پس از نقض توسط دادگاه اداری مبتنی بر منفعت عمومی با این توجیه که این اقدامات به محیط زیست آسیب جدی می‌رساند نقض گردید. چرا که آسیب به محیط زیست نمی‌تواند مستمسکی برای هر قسم اقدام قهری علیه اشخاص خصوصی و سلطه نامشروع بر اموال خصوصی یا نقض سایر آزادی‌های بنیادین شهروندان قرار گیرد.

26. Fourreus

27. Civ. 2e, 17 févr 1993. Féd. nat de la Fourreue, D 1993. IR. 69, Bull. civ. 11, no 67.

28. Lamarque, *op. cit.*, p. 65.

29. Liberte fondamentale

30. TA Chalons-en-Champagne, ord. 29 avrile 2005, Conservatoire du Patrimoine naturel, Ligue de protection des oiseaux et fédération des Conservatoire d'espaces naturels, voir Catherine Roche, *op. cit.*, p. 17.

اهمیت زیست‌محیطی باارزشی برخوردار است ممنوع نماید.^{۳۱} این دادگاه در رأی صادره بر این عقیده بود که با تکیه بر منشور قانون اساسی از جمله ماده ۱ آن، قانونگذار به دنبال تأسیس حق بر محیط زیست به عنوان یک حق بنیادین دارای ارزش قانون اساسی^{۳۲} است. شورای دولتی در ۱۱ می ۲۰۰۷ در خصوص درخواست مؤسسه حمایت از محیط زیست دریاچه سن کرو و مناظر روستای ورودن و در جهت اعمال ماده ۲-۵۲۱ بخش قانونی کد عدالت اداری به گونه‌ای ضمنی حمایت از محیط زیست را به عنوان یک آزادی بنیادین اعلام نمود.

در مقابل به همین طریق دادگاه اداری شهر لیل در ۱۷ ژانویه ۲۰۰۶ نیز مربوط به ممنوعیت نصب ایستگاه تلفن همراه در نزدیکی یک مکان آموزشی (مدرسه) پای فشرد.^{۳۳} دادگاه اداری «آمیان» در اعمال مواد ۱ و ۲ منشور اساسی محیط زیست نیز اینگونه اظهار نظر نمود که امکان اقدام به طرح دعوا از طرف افراد در یک موقعیت شخصی برای اینکه از یک اقدام یا تصمیم آسیب نبینند وجود دارد.^{۳۴}

شورای دولتی در حکم ۱۹ ژوئن ۲۰۰۶ در خصوص مؤسسه آبهای رودخانه‌ای بریتانیا تأکید نمود که «هنگامی که مقررات دقیق قانونی در راستای اجرا و تضمین اصول اعلامی در مواد ۱، ۲ و ۶ منشور ۲۰۰۴ محیط زیست و مقدمه اصلاحی قانون اساسی ۱۹۵۸ (بر اساس قانون اساسی یکم مارس ۲۰۰۵) بیان گردیده‌اند «قانونی بودن تصمیمات اداری»^{۳۵} بر اساس همین مقررات ارزیابی خواهد شد. به همین سبب قوانین و مقرراتی که قبل الزامی شدن منشور محیط زیست به تصویب رسیده‌اند از جمله مقررات کد محیط زیست به ویژه در خصوص نظامات مربوط به تأسیسات طبقه‌بندی شده و حمایت از آبها در راستای منشور به اجراء در خواهند آمد.»

به رغم این مسأله نظر مشورتی کمیسر دولت کمی متفاوت است. مواد ۱، ۲ و ۶ منشور محیط زیست و مقدمه قانون اساسی نمی‌توانند آنگونه که در قانون اساسی بیان گردیده‌اند در «دعای مربوط به تجاوز از حدود اختیارات مقامات اداری»^{۳۶} مورد استناد قرار گیرند. تنها به نظر می‌رسد این متن را می‌توان در چارچوب سایر مقررات جزئی‌تر و مشخص‌تر محیط زیست جهت ارزیابی قانونی بودن اعمال اداری^{۳۷} به کار برد.^{۳۸} در قضیه دیگری به وضوح دیوان عالی کشور فرانسه در مقام تعارض میان توجیه ضرورت‌های زندگی اجتماعی

31. TA chalons – en- champagne. req. no 0500828.

32. En valeur constitutionnelle

33. TA Lille 17 Janvier 2006 confirme par la CAA de Douai le 19 decembre 2006.

34. TA Amiens, Ord, réf. 8 déc, 2005, *Ibid*.

35. Lgalite des decisions administratives.

36. Recours pour exces de pouvoir.

37. Legalite des actes administratifs.

38. Sandrin Maljean-Dubois, *Quel droit pous l'environnmet?*, Paris, Hachette, 2008, p. 47.

و اقتصادی برای نقض یا محدود نمودن نمودن حق بر محیط زیست سالم بر این نکته پای می‌فشارد که اساساً نمی‌توان به دلیل «ضرورت»، حق برخورداری از محیط زیست را نقض نمود. در دعوای محصولات ترا ریخته (تغییر شکل یافته ژنتیکی)^{۳۹} که ادعای مغایرت کشت این قسم محصولات با حق برخورداری از محیط زیست سالم آنگونه که در منشور اساسی محیط زیست آمده است مطرح گردید، دیوان عالی کشور بیان داشت که «منشور محیط زیست نمی‌تواند مستندی برای وجود یک وضعیت ضرورت^{۴۰} برای توجیه اجرای طرح محصولات تغییر شکل یافته ژنتیکی قرار گیرد.^{۴۱}»

بخش دوم:

مؤلفه‌های حق بر محیط زیست سالم در حقوق فرانسه

حق بر محیط زیست سالم در حال حاضر صرفاً یک مفهوم بسیط و نامتعین نیست، بلکه بازتاب آن در قوانین و آراء قضایی ملی و همچنین در سطح اتحادیه اروپا حکایت از ابعاد نوینی از این حق می‌نماید که هر روز به سمت گسترش مرزهای خود حرکت می‌نماید. این تحول نشانگر آن است که حق بر محیط زیست را هرگز نمی‌توان در قالب قواعد نسل سوم تحلیل کرد. یا آن را به یکی از حقهای نسل اول یا نسل دوم فروکاست. حق بر محیط زیست سالم ضمن داشتن حلقه‌های ارتباط با حقوق نسل اول، دوم و سوم به نوبه خود دارای ماهیتی متکثر و چند وجهی است. در اینجا خواهیم کوشید تنها به برخی از مؤلفه‌های رویه‌ای و ماهوی این حق در سیستم فرانسوی پردازیم. این مؤلفه‌ها بیش از هر چیز حکایت از ابعاد پیچیده این حق در اوان هزاره سوم می‌نماید.

الف) مؤلفه‌های رویه‌ای

حق بر محیط زیست سالم مشخصاً در سطح رویه‌ای به حقوق مربوط به مشارکت در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی، دسترسی به عدالت و دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی پیوند می‌خورد. مؤلفه‌های رویه‌ای حق بر محیط زیست هر چند در قوانین عام فرانسه در زمینه این سه موضوع فوق وجود داشت ولی مشخصاً این حق بعد از تصویب کنوانسیون آرهاس و همچنین در پرتو اصل دهم اعلامیه ریو مطرح گردید. حقوق رویه‌ای محیط زیست ناظر به آیینهایی است که اجرای این حق را تضمین می‌نمایند.

39. Fauchage d OGM.

40. Etat de neccsite

41. Cass. crim. 4 avril 2007.pourvoi no 06-80512.

۱- حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی

در فرانسه قبل از شناسایی حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی این امر در چارچوب «اصل اطلاع‌رسانی شهروندان در موضوعات زیست‌محیطی»^{۴۲} از زمان تأسیس وزارت محیط زیست فرانسه مطرح بود.^{۴۳} مبنای موجه شناسایی این حق برای شهروندان این امر بود که قرار دادن یا دست‌یابی شهروندان به اطلاعات در خصوص وضعیت محیط زیست، عوامل تخریب و خطرات احتمالی می‌تواند منجر به پیشگیری از مخاطرات و کاستن از عواقب حوادث آلودگی باشد. سیستم حقوقی فرانسه روز به روز جزئیات مربوط به حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی را به گونه‌ای مشخص‌تر و واضح‌تر شناسایی می‌نماید. این شناسایی بدو در حقوق فرانسه متأثر از روش‌های کلی حقوق اداری و آیین‌های رسیدگی است. در حقیقت امروزه در حقوق فرانسه اصل کلی رازداری «معکوس» شده است.

به عبارت رساتر در حال حاضر اصل بر اطلاع‌رسانی به شهروندان است، مگر آنکه استثنائات آن توسط قانونگذار به گونه‌ای مشخص بیان گردیده باشد.^{۴۴} قانون ششم ژانویه ۱۹۷۸ مربوط به انفورماتیک و اوراق اداری^{۴۵} و به ویژه قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۸ مربوط به آزادی دسترسی به اسناد اداری^{۴۶} کمیسیون دسترسی به اسناد اداری^{۴۷} را پیش‌بینی نمود. این متن در حقیقت در زمره قوانین عامی است که در خصوص حق دسترسی به اطلاعات در فرانسه به تصویب رسید و قابل تسری به موضوعات زیست‌محیطی نیز بود، اما به گونه‌ای مشخص نیز در مقررات زیست‌محیطی بعدی در حوزه‌های مختلف مورد شناسایی قرار گرفت. قانون ۳۰ دسامبر ۱۹۸۸ در خصوص پسماندها مقرر نمود که «هر شخص حق بر اطلاع در خصوص آثار زیانبار ناشی از جمع‌آوری، حمل و نقل، بازیافت، ذخیره‌سازی و دیوی پسماندها بر سلامتی انسانی و محیط زیست دارد. همچنین هر کس حق بر اطلاع از اقداماتی را دارد که برای پیشگیری از جبران خسارت ناشی از این آثار زیانبار را دارد.»

42. Principe de l'information des citoyen en matiere de l'environnement.

۴۳. بر اساس مصوبه دوم فوریه ۱۹۷۱ (Decret no 71-94 du 2 fevrier 1971) وزارت محیط زیست فرانسه مسئول اطلاع‌رسانی در زمینه مسائل زیست‌محیطی و مشارکت دادن مردم در اتخاذ تصمیمات بود. در حال حاضر نیز وزارت اکولوژی فرانسه نیز به موجب مصوبه ۳۱ مه ۲۰۰۷ (Decret no20007-995 du 31 mai 2007) در امر اطلاع‌رسانی زیست‌محیطی به شهروندان مشارکت می‌نماید. بر اساس ماده ۸ منشور اساسی محیط زیست نیز آموزش و تشکل زیست‌محیطی باید بر اساس حقوق و تکالیف مشخص شده در منشور حاضر صورت پذیرد.

44. Sandrin Maljean-Dubois, *Quel droit pour l'environnement?*, Paris, Hachette, 2008. p. 48.

45. Loi no 78- 17 du 6 Janvier 1978.

46. Loi no 78-755 du 17 Juille 1978.

47. Commission d'acces au documents administratifs (CADA).

قانون بارنیه ۱۹۹۵ که امروزه اصول کلی اعلامی در این قانون در متن کد محیط زیست فرانسه منعکس گردیده است، ضمن شناسایی دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی بیان می‌دارد که «هر کس می‌تواند به اطلاعات زیست‌محیطی مربوط به محیط زیست به ویژه در خصوص مواد و فعالیتهای خطرناک دسترسی داشته باشد.» این حق امروزه در نظام حقوقی فرانسه ارزش قانون اساسی^{۴۸} نیز دارد.^{۴۹}

ماده ۷ منشور محیط زیست فرانسه در این خصوص پیش‌بینی نموده است که «هر کس در چارچوب شرایط و محدودیتهای مشخص شده توسط قانون حق دسترسی به اطلاعات مربوط به محیط زیست که نزد مقامات عمومی است را دارد.» بنابراین می‌بینیم که در فرانسه مقررات ملی روز به روز به سمت حمایت بیشتر و مؤثرتر از این حق پیش می‌روند. در این خصوص چند نکته اساسی است.

۱- حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی ماهیتی ذو وجهی دارد که از طرفی با الزامات و مبانی حق دسترسی به اطلاعات پیوند می‌خورد و از طرف دیگر آنگاه که موضوعات زیست‌محیطی این حق را در بر می‌گیرند، الزامات و مبانی حق بر محیط زیست سالم را در آن مطرح می‌نمایند. لذا می‌بینیم که قانون ۳۰ دسامبر ۱۹۸۸ پسماندها در طریق بیان حق دسترسی به اطلاعات در خصوص آثار خطرناک پسماندها علاوه بر سلامتی انسانی^{۵۰} سلامتی و پاکی محیط زیست را مد نظر قرار می‌دهد. این تحول در واقع حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی را صرفاً به ابعاد انسانی ناشی از اثرات زیانبار آلودگی‌ها و حواث محتمل‌الوقوع یا قریب‌الوقوع زیست‌محیطی قرار نمی‌دهد. بلکه کل اکوسیستم و محیط زیست بهتر و مناسبتر حفاظت و حمایت می‌گردد. به عبارت دیگر این رویکرد مقنن فرانسوی در شناسایی حق بر محیط زیست رنگ و بویی غیرانسان محور به این حق داده است که معمولاً از توجه به این نکته غفلت گردیده است.

۲- توسعه و شناسایی این حق در فرانسه پیش از آنکه مدیون نظام حقوق ملی در فرانسه باشد به شدت تحت تأثیر حقوق بین‌الملل و حقوق اتحادیه اروپا است. نخستین دستورالعملی که در این خصوص در اتحادیه اروپا به تصویب رسید دستورالعمل ۷ ژوئن ۱۹۹۰ راجع به آزادی دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی بود.^{۵۱} این دستورالعمل زمینه‌های اساسی را برای طرح دعاوی بی‌شماری در پیشگاه دیوان اروپایی حقوق بشر برای دول عضو اتحادیه اروپا فراهم نمود. کنوانسیون ۱۹۹۸ آرهاس نقطه اوج تحول حق

48. Valeur constitutionnelle

49. Sandrin, *op. cit.*, p. 49.

50. Sante de l'homme

51. Directive no 90/313/CEE du 7 Juin 1990.

بر محیط زیست و نفوذ آن بر کشورهای عضو اتحادیه اروپا از جمله فرانسه بود. این کنوانسیون بر خلاف دستورالعمل پیشین به گونه‌ای جزئی‌تر و مشخص‌تر با ضمانت اجرایی دقیق‌تر این حق را مورد شناسایی قرار داد. این کنوانسیون از دول عضو (از جمله فرانسه) را نه تنها متعهد به تضمین دسترسی شهروندان به اطلاعات زیست‌محیطی می‌نماید بلکه اساساً از دول عضو می‌خواهد تا اطلاعات خاصی را جمع‌آوری و منتشر نمایند.^{۵۲} علاوه بر این باید به متن دیگری اشاره نمود که در سال ۲۰۰۳ در این زمینه تصویب گردید: دستورالعمل ۲۸ ژانویه ۲۰۰۳ اتحادیه اروپا در زمینه حق دسترسی عموم به اطلاعات زیست‌محیطی که با ماهیت حمایتی بیشتر جایگزین دستورالعمل ۱۹۹۰ شده است. این دستورالعمل در حقوق فرانسه با اندکی تأخیر در نظام حقوق ملی وارد گردید. (بموجب قانون ۲۵ اکتبر ۲۰۰۵ و آیین‌نامه ۶ ژوئن ۲۰۰۵)

۳- حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی در غالب موارد در تعارض با اصل سستی رازداری و پنهان کاری به ویژه در آن دسته اموری که به مسائل امنیتی پیوند می‌خورد است. اما در حوزه محیط زیست حوادث آلودگی و حوادث اتمی نشان داد که چگونه این اصل سستی بی‌رنگ و غیرقابل اهمیت می‌گردد.^{۵۳} به گونه‌ای که گفته شد اگر در حادثه اتمی چرنوبیل اطلاع‌رسانی صحیحی صورت می‌گرفت دولتها و مردم می‌توانستند با اقدامات پیشگیرانه از شدت و وخامت خسارت وارده بر محیط زیست در اروپا بکاهند.^{۵۴} اهمیت موضوع نیروگاه‌های هسته‌ای و مخاطرات ناشی از آن در فرانسه به نوبه خود منجر به تصویب قانون ۱۳ ژوئن ۲۰۰۶ مربوط به شفافیت و امنیت هسته‌ای گردید.^{۵۵} در زمینه غدهای تغییر شکل یافته ژنتیکی نیز پنهان‌کاری دانشمندان دولتی به ضرر بهداشت و سلامتی محیط زیست تمام شده است.^{۵۶}

۵۲. امروزه دستورالعمل ۱۹۹۰ با تصویب آیین‌نامه ۱۱ آوریل ۲۰۰۱ مشخصاً جزئی از حقوق ملی فرانسه است. یک رأی نیز در این زمینه توسط دیوان اروپایی حقوق بشر در سال ۲۰۰۳ صادر شده است. در این خصوص بنگرید به رأی دیوان در قضیه ذیل: *Arret du 26 Juin 2003, aff. C-233/00, Commission. c. France.*

۵۳. از مهم‌ترین این حوادث آلودگی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:
حادثه سه‌وسو در ۱۹۷۶، حادثه بوپال هند در ۱۹۸۴، حادثه انفجار کارخانه شیمیایی بال در ۱۹۸۹، انفجار کارخانه AZF در تولوز فرانسه در سال ۲۰۰۱، انفجار کارخانه پتروشیمی چین در ۲۰۰۵، حوادث هسته‌ای مایل‌آیلند آمریکا در ۱۹۷۹، چرنوبیل اوکراین در ۱۹۸۹، حوادث آلودگی نفتی مانند توری کانپون ۱۹۶۷، آموکو کادیز ۱۹۷۸، اکزون والدز ۱۹۸۹، اریکا ۱۹۹۹، پرستیژ ۲۰۰۲ و خلیج مکزیک ۲۰۱۰.

۵۴. اردشیر امیرارجمند، *تقریرات درس حقوق بین‌الملل محیط زیست*، دوره کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵.

۵۵. *Loi no 2006-689 du 13 juin 2006.*
۵۶. در خصوص حق بر دانستن و اقدامات مقامات عمومی فرانسه برای نمونه بنگرید به قضیه *Mamere c.*

۲- حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی^{۵۷}

پیش‌شرط مشارکت، منوط به تضمین دسترسی شفاف به اطلاعات زیست‌محیطی است. موضوع مشارکت فعال شهروندان در اتخاذ تصمیمات زیست‌محیطی به ماده ۱۰ اعلامیه ریو بر می‌گردد. به موجب این ماده باید امکان مشارکت در فرآیند اتخاذ تصمیمات زیست‌محیطی فراهم گردد. در فرانسه قبل از ورود این مؤلفه از حق بر محیط زیست در مجموعه کد محیط زیست فرانسه در قانون بارنیه ۱۹۹۵ انعکاس یافت. در توجیه این وجه از حق بر محیط زیست برخی تبلور آن را فراتر از مدل‌های دمکراسی‌های سنتی نماینده سالار و منوط به استقرار لوازم دمکراسی‌های مشارکتی دانسته‌اند.^{۵۸}

ب) مؤلفه‌های ماهوی

حق بر محیط زیست در اسناد بین‌المللی و قوانین ملی با اضافی چون سالم، پاک، عاری از آلودگی، متوازن، ایمن، مناسب، دلپذیر، سالم و گوارا و نظایر آن توصیف می‌گردد. هر کدام از این اوصاف مبین یکی از وجوه ماهوی این حق است. دسترسی به آب سالم و عاری از آلودگی، تنفس در هوای پاک، داشتن محیطی آرام، فضای مناسب برای تداوم حیات و محیط بهداشتی و سالم از مهم‌ترین مؤلفه‌های ماهوی این حق است که به مهم‌ترین آنها ذیلاً اشاره می‌نماییم.

۱- حق بر آب آشامیدنی سالم

در حال حاضر فرانسه در زمینه موضوع حق دسترسی شهروندان به آب سالم و در برخی از زمینه‌های مربوط به حفاظت از منابع آبی به شدت تحت تأثیر حقوق اتحادیه اروپا از جمله دستورالعمل کادر ۲۰۰۰ اتحادیه در خصوص آب^{۵۹} قرار دارد.^{۶۰} تا قبل از قانون ۳۰ دسامبر ۲۰۰۶ در نظام حقوقی فرانسه حق بهره‌مندی از آب سالم مورد شناسایی صریح قرار نگرفته بود. به موجب ماده ۱ این قانون که ذیل ماده ۱-۲۱۰ کد محیط زیست درج گردیده است «در چارچوب قوانین و مقررات و همچنین حقوقی که پیشاپیش مقرر گردیده است بهره‌مندی از منافع آب متعلق به همه افراد است و هر شخص حقیقی جهت تغذیه و

France در پیشگاه دیوان اروپایی حقوق بشر (رای مورخ ۷ نوامبر ۲۰۰۶).

57. Le droit à la participation aux décisions environnementales.

58. Sandrin, *op. cit.*, p. 54.

59. Directive-cadre sur l'eau (2000/60/CE)

60. Catherine Roche, *L'essentiel du droit de L'environnement*, Gualino editeur 2006, p. 101.

بهداشت خویش حق دسترسی به آب آشامیدنی^{۶۱} را دارد.^{۶۲} این حق همان‌گونه که در ماده ۱-۲۱۰ آمده است تنها شامل تغذیه^{۶۳} و بهداشت^{۶۴} می‌شود. لذا به قول فلیپ بیه و همکارش این حق را نمی‌توان به سایر موارد غیر ضروری نظیر شستشوی اتومبیل یا آبیاری چمن‌زار تسری داد.^{۶۵} علاوه بر این قسمت دوم ماده فوق محدودیت دوم یعنی ارزش‌گذاری مالی منابع آب شیرین را برای این حق گذارده است. بر این اساس دسترسی به این حق مجانی نبوده بلکه با توجه به شرایط اقتصادی به گونه‌ای مناسب قیمت‌گذاری می‌گردد.

شاین ذکر است که به موجب صدر همین ماده آب به عنوان بخشی از میراث مشترک بشریت^{۶۶} به شمار می‌رود که حفاظت و حمایت از آن به مثابه یک نفع عمومی تلقی می‌گردد.^{۶۷}

۲- حق بر هوای پاک

حق بر هوای پاک^{۶۸} از زیر مجموعه‌های حق بر محیط زیست سالم به شمار می‌رود و در برخی قوانین بر «حق تنفس بر هوای پاک» صحنه گذاشته شده است. بر اساس این حق هر شهروندی حق دارد در هوایی پاک و سالم تنفس نماید و دولتها مکلف به اتخاذ تدابیری برای تضمین آن می‌باشند.

در حقوق فرانسه زمینه‌های اولیه شناسایی این حق به قانون دوم اوت ۱۹۶۱ مربوط به مقابله با آلودگی هوا و سایر بوها^{۶۹} باز می‌گردد.^{۷۰} در ماده ۱ قانون ۳۰ دسامبر ۱۹۹۶ مربوط به هوا و استفاده منطقی از انرژی^{۷۱} (ماده ۱-۲۲۰ کد محیط زیست فرانسه) بر «حق هر کس بر تنفس در هوایی که مضر به سلامتی‌اش نباشد»^{۷۲} تأکید گردیده و مورد شناسایی واقع شده است. با اینحال از آنجا که خود شهروندان نیز در آلوده نمودن هوا به عنوان بازیگر اصلی (به ویژه از طریق اتومبیل) نقش اصلی را ایفاء می‌نمایند در حقوق فرانسه به ارتباط و همکاری و مشارکت اشخاص عمومی و خصوصی برای اجرای این حق اشاره شده است

61. Droit à l'eau potable

62. Loi no 2006-1772 du 30 déc 2006. art. 1er. (JORF 31 décembre 2006).

63. Alimentation

64. Hygiène

65. Philippe Billet et Cans Chantal, *Code de l'environnement*, Dalloz, 11e édition, 2008, p. 101.

66. Patrimoine commun de la nation

67. *Ibid.*

68. le droit à l'air pur

69. La loi 2 aout 1961 relative à la lutte contre les pollutions atmosphériques et la odeurs.

70. Aline Grenier-Sargos, "Tous les problèmes juridiques des pollutions et nuisances industrielles", *Encyclopedie delams pour la vie des affaires*, 1973, p. H2

71. Loi 96-1236 du 30 décembre 1996 sur l'air et sur l'utilisation rationnelle de l'énergie

72. (... reconnu a chacun a respirer un air qui ne nuise pas a santé ...)

و سازوکار حقوقی برای آن پیش‌بینی شده است.^{۷۳} با این حال گروهی از نویسندگان این حق را مورد انتقاد قرار داده‌اند و به ویژه مشکلاتی که ناشی از اجرای آن به وجود می‌آید اشاره نموده و اینکه اصولاً این حق را باید به صورت کلی در قالب حق بر محیط زیست تحلیل نمود.^{۷۴}

حق بر اطلاع‌رسانی نسبت به کیفیت هوا^{۷۵} و اثرات آن بر روی سلامتی و محیط زیست بر اساس ماده ۴ قانون ۱۹۹۶ (ماده ۶-۲۲۱ کد محیط زیست) شناسایی و تضمین گردیده است این حق از موضوعات پیشرفته مطروحه در این قانون می‌باشد. کلیه شهروندان به ویژه در مناطقی که با مشکل آلودگی هوا مواجه هستند حق دارند از کیفیت هوا اطلاع پیدا کنند این حق صرفاً شامل اطلاع‌رسانی فنی صرف نیست، بلکه باید میزان اثرات آلودگی هوا بر روی سلامتی و محیط زیست نیز به طوری که برای مردم قابل درک بوده معلوم شود. مطابق بخشی از این ماده:

«... نتایج مطالعات اپیدمیولوژیک مربوط به آلودگی هوا و نتایج مطالعات آلودگی هوا مرتبط با محیط زیست و همچنین اطلاعات و پیش‌بینی‌های مربوط به نظارت بر کیفیت هوا، پخش مواد آلاینده در جو و مصارف انرژی موضوع یک انتشار دوره‌ای خواهد بود... دولت هر ساله موظف است فهرستی از میزان پخش مواد آلاینده و مصرف انرژی را منتشر کند همچنین گزارشی در خصوص کیفیت هوا و تغییرات ممکنه در آن و اثرات آن بر سلامتی و محیط زیست را منتشر خواهد کرد...»

همچنین برای دسترسی عموم به محدودیت‌های آلاینده‌ها و استانداردهای پذیرفته شده مطابق حکم ۱۰ ژانویه ۲۰۰۰^{۷۶} کیفیت هوا بین عدد یک تا ۱۰ تنظیم گردیده است که عدد یک نمایانگر کیفیت بسیار خوب و عدد ۱۰ نمایانگر کیفیت بسیار بد هوا است.^{۷۷}

۳- حق بهره‌مندی از محیط آرام^{۷۸}

صفت آرام برای حق بهره‌مندی از محیط زیست در ارتباط مستقیم با آلودگی صوتی است. امروزه با ازدیاد انواع مختلف منابع صوتی آسیب‌زا در شهرها صحبت از آلودگی بسیار خطرناک و پنهانی می‌شود که آسیب جدی را بر سلامتی انسانها در محیط شهری نهاده

73. Ardechir Amir-Arjomand & Ali Mashhadi, «Right to Clean Air and Related Sanctions in Iranian and French Law», *Tanaffos Journal, National Research Institute of Tuberculosis and Lung Disease*, (2010), (1), p. 8.

74. Marco Blachere, «de droit à l'air pur, principe sans effet?», *Journal l'Humanité*, 1996, sur le site: <www.humanite.fr>

75. Le droit à la information sur la qualité de l'air

76. Arrêt du 10 janvier 2000, J.O., 18 fév 2000.

77. Prieur *op. cit.*, p. 516.

78. Le droit à l'environnement tranquille

است. فقدان آلودگی صوتی در محیط زیست انسانی یکی دیگر از مؤلفه‌های حق بر محیط زیست سالم به شمار می‌رود. به خصوص نسبت به اشخاص آسیب‌پذیر نظیر کودکان و سالمندان و فضاهایی نظیر بیمارستانها، کتابخانه‌ها و اماکن مسکونی اهمیت دارد. در فرانسه وضعیت بعضاً به گونه‌ای است که یک سوم از مردم سروصدا را به عنوان مهم‌ترین عامل آزاردهنده در محیط کار می‌شناسند و از هر ۱۰ نفر فرانسوی ۹ نفر بر این عقیده‌اند که این نوع آلودگی «آزار و شکنجه عمده‌ای» برای آنهاست و اکثریت مردم خواهان دخالت سریع و انجام اقداماتی مؤثر به ویژه علیه صداها ناشی از موتورها و موتورسیکلتها هستند.^{۷۹}

نقطه مقابل «آلودگی صوتی» نیاز به زندگی در یک محیط «آرام» و «ساکت» است که این مفهوم در ارتباط با یکسری مفاهیم دیگر نظیر «حق آسایش»^{۸۰}، «احترام به زندگی خصوصی»^{۸۱} «حق بر سلامتی»^{۸۲} و تمتع از بهترین حالت سلامتی جسمی^{۸۳} و روحی است که در اسناد حقوق بشری بین‌المللی و قوانین اساسی بر آنها تأکید شده است.^{۸۴}

در حقوق فرانسه با تصویب قانون ۱۳ دسامبر ۱۹۹۲ در زمینه مقابله با آلودگی صوتی نخستین تلاشها برای مقابله با این آلودگی آغاز گردید. علاوه بر این در رویه قضایی نیز با استفاده از مفاهیمی چون «امنیت و آرامش عمومی»^{۸۵} سعی گردید تا با این آلودگی مقابله گردد. مطابق ماده ۱۶-۲۲۲ از قانون جزایی فرانسه مزاحمت صوتی که باعث برهم زدن آرامش دیگران شود را تا ۱۰۰ هزار فرانک قابل مجازات دانسته است.^{۸۶}

نتیجه

هرچند شناسایی حق بر محیط زیست در نظام حقوقی فرانسه با تأخیر دیر هنگام و بعضاً با مقاومت‌های ایدئولوژیک و سیاسی همراه بود اما سالهای نخست هزاره سوم، اهمیت تضمین و شناسایی این حق را برای شهروندان و مقامات عمومی فرانسه بیش از پیش آشکار نمود. علاوه بر این شناسایی این حق در فرانسه نشان از یک واقعیت اساسی داشت و آن اینکه هر حق بشری در آغاز، در مجموعه حقوق بشر همواره با مقاومت‌های فکری، سیاسی و

۷۹. ادواردو بونفو، آشتی انسان با طبیعت، مترجم صلاح‌الدین محلاتی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵، ص

۲۰۲.

80. Droit au repos

81. Le respect de la vie privée

82. Droit à la santé

83. Bien être physique

۸۴. برای بررسی تفصیلی در این خصوص، نک: علی مشهدی، «بررسی و شناسایی جنبه‌های حقوقی آلودگی

صوتی؛ از قواعد داخلی تا تلاشهای بین‌المللی»، *علوم محیطی*، ش ۱، پاییز ۱۳۸۶، ص ۵۶.

85. La sécurité et la tranquillité publique

86. Jean Lamarque, *Code de l'environnement*, Paris, Dalloz, 1998, p. 993.

اجتماعی مواجه بوده است. ریشه‌های پیچیده تاریخی حفاظت از محیط زیست در فرانسه که سالیان متمادی به طول انجامیده است در نهایت دستاوردهای بسیاری را برای سیستم حقوق عمومی فرانسه داشت. توجه احزاب، دولت و گروه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و حقوقی به مسأله محیط زیست، تدوین کدی به نام «کد محیط زیست»، افزایش بی‌سابقه تعداد متون قانونی، تغییر ساختار اداری دولت فرانسه در زمینه مدیریت مسائل محیط زیست، بروز مشکلات جدید زیست‌محیطی، تأثیر حقوق بین‌الملل و حقوق اتحادیه اروپا و همچنین موازن حقوق بین‌الملل بشر، رشد رویه قضایی اختصاصی زیست‌محیطی، پیش‌بینی و تصویب رژیم مسؤلیت ویژه خسارات زیست‌محیطی و در نهایت تصویب «منشور اساسی محیط زیست» و تأثیرات آن در حقوق فرانسه از قبیل این تحولات است.

در حقوق ایران علی‌رغم برخی تلاشها که در زمینه تضمین حق برخورداری از محیط زیست سالم صورت گرفته است، هنوز رویکردها و نگرشها به اهمیت و ابعاد مسأله چندان مورد توجه واقع نگردیده است. بدین‌سان جایگاه حق بر محیط زیست در قوانین و مقررات ایران و تبعاً تحولات حقوقی نیز چندان رضایت‌بخش نیست. در حال حاضر لزوم بهره‌مندی از هوای پاک، آب سالم، محیط آرام و عاری از هر گونه آلودگی و همچنین ایمن در برابر آثار ناگوار برخی از تکنولوژی‌های به ظاهر مفید را شهروندان در زندگی روزمره خویش احساس می‌نمایند. آیا وقت آن فرا نرسیده است که کمی به روش زندگی، تغذیه، بهداشت، و تعهد خویش نسبت به محیط پیرامون و دیگران بیشتر بیندیشیم.

فهرست منابع

- امیرارجمند، اردشیر، *تقریرات درس حقوق بین‌الملل محیط زیست*، دوره کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵.
- بونفو، ادواردو، *آشتی انسان با طبیعت*، ترجمه صلاح‌الدین محلاتی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.
- داری‌شر، ایان، *تحولات سیاسی در فرانسه؛ از ژیسکاردستن تا فرانسوا میتران*، ترجمه ناصر موفقیان، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- مجنونیان، باریس هنریک، *تقریرات درس حفاظت از محیط زیست*، دوره کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست، دانشگاه شهید بهشتی.
- علی مشهدی، «بررسی و شناسایی جنبه‌های حقوقی آلودگی صوتی؛ از قواعد داخلی تا تلاشهای بین‌المللی»، *علوم محیطی*، ش ۱، پاییز ۱۳۸۶.
- مشهدی، علی، «تحولات اخیر حق بر محیط زیست در حقوق اساسی فرانسه»، *نشریه حقوق اساسی*، سال ۶، ش ۱۱، تابستان ۱۳۸۸.

Amir-Arjomand, Ardechir & Ali Mashhadi, "Right to Clean Air and Related Sanctions in Iranian and French Law", *Tanaffos Journal, National Research Institute of Tuberculosis and Lung Disease*, (2010) (1).

Billet, Philippe et Chantal Cans, *Code de l'environnement*, Paris: Dalloz, 11^e édition, 2008.

Blachere, Marco, "le droit a l'air pur, principe sans effet?" *Journal l'Humanité*, 1996, sur la site: www.humanite.fr

Grenier-Sargos, Aline, "Tous les problèmes juridiques des pollutions et nuisances industrielles", *Encyclopedie delams pour la vie des affaires*, 1973.

Huten, Nicolas, "Les nouveaux fondements constitutionnels du droit de l'environnement", Les apports de la Charte de l'environnement à l'ordre juridique interne, *Thèse en Droit de l'environnement*, Université de Paris I Panthéon-Sorbonne, et de Paris II Panthéon-Assas, 2002-2003.

Joubleau, Félix et Jean Baptiste Colbert, "Études sur Colbert: ou Exposition du système d'économie politique suivi en france de 1661 a 1683", *Gullaumin*, Volume 2, 1856.

Lamarque, Jean, *Code de l'environnement*, Paris: Dalloz, 1998.

Maljean-Dubois, Sandrin, *Quel droit pour l'environnement?* Paris, Hachette, 2008.



JOURNAL OF

LEGAL RESEARCH

VOL. IX, No. 2

2010-2

Articles

- Reflections on Effective Criminal Convictions and their Consequences
- The Right to Defense of Accused in Administrative Contravention Settlement Board
- Determination of Defendant
- Legal Analyses of Medical Protections of Social Security Organization

**Special Issue: Citizens Right to Healthy Environment:
Pollution of Iranian Large Cities**

- Sustainability of Urban Freight and Decreasing of Air Pollution: Environmental Ideal of Large Cities
- The Commitment to International Co-operation Countering Haze to Iran
- Deal with Electromagnetic Waves Pollutions in Metropolises
- Tehran Air Pollution and Citizen Rights on Healthy Environment
- The Effect of Intellectual Property Rights System on Metropolis Pollution
- Public Interest Litigation Concerning Environmental Matters before Human Rights Courts and National Courts
- The Right To Healthy Environment as a Hostage of Global Warming: Cancun Conference (2010)
- Right to a Healthy Environment in French Legal System

Critique and Presentation

- Economic Interest Grouping in the Fifth Development Plan

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study